

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۸، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۶

صفحات ۷۷۷ تا ۷۹۸

## جایگاه حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در اسناد

### بین‌المللی جهانی، منطقه‌ای و اسناد ملی

سید فضل‌الله موسوی

استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران، عضو حقوق‌دان شورای نگهبان

(Email: mosavi@ut.ac.ir)

مریم احمدی نژاد\*

استادیار دانشگاه الزهراء (س)

یاسر امین‌الرعايا

دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی و مدرس دانشگاه

(Email: Aminoroaya.yaser@yahoo.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵)

### چکیده

افراد انسانی از ابتدای حیات خویش مستحق حقوق بشری هستند؛ حقوقی که هر انسان به لحاظ انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. در این میان یکی از حقوقی که در اهمیت و برجستگی آن تردیدی وجود ندارد و از جمله حداقل‌های حقوق بنیادین بشری به‌شمار می‌رود، حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی است که به‌عنوان پیش‌نیازی برای بهره‌مندی از سایر حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. این حق که در بسیاری از نظام‌های حقوقی همچنان نادیده گرفته شده، از جمله حقوق ذاتی بشری است که در اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مهمی به آن عنایت و تصریح شده است. این حق که شناسایی هر فرد انسانی را در مقابل قانون و به‌عبارتی در تمامی عرصه‌های حقوقی به‌عنوان یک شخص مورد حمایت قرار می‌دهد، در برخی اسناد ملی نیز بیان شده است.

### واژگان کلیدی

اسناد جهانی، اسناد ملی، اسناد منطقه‌ای، اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی، حقوق بشر.

## مقدمه

از قرن هجدهم میلادی به دنبال توسعه تدریجی مفاهیم بشری در افکار فلاسفه و اندیشمندان و به موازات پیشرفت‌های علمی و ظهور فناوری‌های نوین، و در پی آن وقوع جنگ‌های جهانی که به نقض فاحش و گسترده حقوق انسان‌ها منجر شد، نقصان وجود قواعد و هنجارهای بین‌المللی برای حمایت و تضمین حقوق بشری به‌طور محسوسی نمود یافت و اراده جهانی بر ضرورت تدوین قواعدی که از جایگاه انسانی تمامی افراد بشر محافظت نماید، قرار گرفت. این اراده جمعی که عمدتاً ناشی از افکار و عقاید مبتنی بر حقوق طبیعی بوده، برای دستیابی به جایگاه کنونی خویش سیری تکاملی را پیموده است. روندی که بر اساس آن حقوق بین‌الملل سال‌های متمادی دستخوش تغییر و تحول شد و طی آن محدودیت‌های سنتی بر فرد و جایگاه وی در حقوق بین‌الملل رو به افول رفت، قواعد حقوق بشری رشد و توسعه یافت و به تدریج در سطح بین‌المللی با وفاق عام مواجه شد؛ به طوری که در حال حاضر حقوق بشر، هسته مرکزی حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌آید و تمامی دولت‌ها در عرصه داخلی و بین‌المللی ملزم به رعایت آن هستند.

توسعه فزاینده حقوق بشر در حقوق بین‌الملل معاصر، شیوه‌ها و سازوکارهای متعدد حفاظت و حمایت بین‌المللی از افراد انسانی را رقم زده است. یکی از شیوه‌های عمده حمایت از حقوق بشر، تصویب اسناد و معاهدات بین‌المللی است که هرکدام به نوبه خود بر بخشی از تابعان بین‌المللی الزام‌آور است. این اسناد نمی‌توانند از ارزش‌های جدیدی که در طی رشد و تعمیم حقوق بین‌الملل از سوی جامعه بین‌المللی تأیید شده است، گسسته باشند. یکی از این ارزش‌های اساسی که در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده، شناسایی شخصیت حقوقی فرد به‌عنوان حقی بشری است. این در حالی است که پیش از این انسان‌ها بنا بر طبقه و گروهی که در آن قرار می‌گرفتند، دارای شخصیت حقوقی و یا فاقد آن بودند و شخصیت حقوقی برای تمامی افراد بشر به رسمیت شناخته نشده بود. «حق بر شناسایی شخصیت حقوقی» (Right to recognition of juridical personality, Right to recognition of the Legal Personality) در متون حقوقی با عناوین «حق بر شخصیت حقوقی» (Right to Legal Personality, Right to Juridical Personality) یا «حق افراد بر شناسایی در مقابل قانون» (Right to recognition before the law) نیز آمده است، از جمله حداقل‌های حقوق بنیادین بشری است. این حق که در آغاز از سوی اعلامیه جهانی حقوق بشر به جهانیان عرضه شده است، به تدریج توسعه یافته، مسیر تکامل را هم‌راستا با پیشرفت‌های حقوق بین‌الملل بشر می‌پیماید؛ به طوری که در حوزه اسناد بین‌المللی، امروزه شاهد تدوین و پذیرش این حق از جانب اسناد بین‌المللی در سطح جهانی، منطقه‌ای و اسناد ملی هستیم. بر این اساس، در ادامه برای تبیین مسئله، جایگاه حق

فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی به تفکیک در اسناد معتبر بین‌المللی جهانی، منطقه‌ای و برخی اسناد ملی مطالعه می‌شود.

## جایگاه حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در اسناد بین‌المللی

### جهانی

در برخی اسناد عمده حقوق بشری در سطح جهانی به حق فرد بر شناسایی در مقابل قانون تصریح شده است؛ از جمله در ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، این حق موقعیت برجسته‌ای یافته است. در این خصوص در مبحث حاضر به دلیل تبیین حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی، این مواد و نحوه تدوین و تصویب آن‌ها به تفصیل بررسی می‌شود.

### ۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر

اولین تجلی حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در عرصه حقوق بین‌الملل، تصویب ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup> بود. این اعلامیه که به‌عنوان قطعنامه‌ای ساده از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به اتفاق آرا تصویب شد، الگویی برای معاهدات حقوق بشری بین‌المللی پیشین و همچنین بسیاری از اسناد حقوق بشری منطقه‌ای به‌شمار می‌آید (Baderin, 2010, p.8). این سندی فوق‌العاده بود که عزم راسخ تدوین‌کنندگان آن باعث شد برای اولین بار مجموعه‌ای از حقوق بین‌الملل بشری برای همه انسان‌ها در زمینه‌های فردی طی سندی جهانی ارائه گردد.<sup>۲</sup> به این ترتیب، در ادامه سخن برای تبیین ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر که حق فرد را بر شخصیت حقوقی به رسمیت می‌شناسد، نخست مباحث مقدماتی تدوین‌پیش‌نویس ماده ۶ در کمیسیون حقوق بشر که حاوی مطالب بسیار مهمی در خصوص این ماده است، سپس مبنای الزام ماده ۶ اعلامیه نسبت به همه دولت‌ها، و درنهایت کلیاتی در شرح ماده ۶ ارائه می‌شود.

### ۱.۱. مباحث مقدماتی تدوین ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

در تهیه پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر که از سوی کمیته‌ای از اعضای کمیسیون حقوق

1. Article 6 of The Universal Declaration of Human Rights: "Everyone has the right to recognition everywhere as a person before the law."  
2. The Universal Declaration of Human Rights, was drafted by the UN Commission on Human Rights in 1947 and 1948, Adopted and proclaimed by United Nations General Assembly in 1948 (UDHR).

بشر انجام شد، بحث‌های حقوقی مفیدی در گرفت که بررسی این مباحثات در جلسات کمیته پیش‌نویس به لحاظ روشن شدن قصد تدوین‌کنندگان از وضع و تصویب ماده ۶ اعلامیه با عبارات حاضر و درک مفهوم و مضمون این جمله‌بندی، کارساز بوده است. در این جلسات خانم روزولت (Eleanor Roosevelt) ریاست کمیته تهیه پیش‌نویس را برعهده داشت. وی معتقد بود که بحث بر سر ماده ۶، مشکلات نظام‌های حقوقی مختلف را نشان می‌دهد. همچنین به علت تأثیری که برخی اعمال ضد بشری در شکل‌گیری جنگ جهانی دوم داشت و هرگز نباید تکرار می‌شد، موضوع این ماده برای بسیاری از نمایندگان حاضر در این کمیسیون دارای اهمیت بود. در نشست‌های کمیته پیش‌نویس پیشنهاد پروفیسور کاسین (René Cassin)، نماینده فرانسه، این بود که ماده‌ای تدوین شود که در فرانسه به این شکل تعبیر شده است: «فرد نباید از شخصیت حقوقی خود محروم گردد».<sup>۱</sup> خانم روزولت این تعبیر را به زبان انگلیسی<sup>۲</sup> ترجمه کرد و به کمیته پیشنهاد داد که در پی آن، نمایندگان حقوق‌دان آمریکا و انگلیس به‌شدت با این اصطلاح مخالفت کردند. استدلال آن‌ها این بود که چنین اصطلاحی با عنوان «شخصیت حقوقی» در حقوق انگلیس یا آمریکا معنی ندارد (Roosevelt, 1995, p.563). در نهایت خانم روزولت پس از بررسی به قضیه «درد اسکات علیه استنفورد»<sup>۳</sup> استناد نمود که در آن پرونده برای اولین بار در حقوق آمریکا اصطلاح «شخصیت حقوقی» (Juridical Personality) در همان مفهوم مورد نظر در ماده ۶ استفاده شده بود. در این پرونده که دیوان عالی ایالات متحده (The U.S. Supreme Court) در سال ۱۸۵۷م آن را بررسی کرد، قاضی پرونده، راجر تانی (Roger Taney)، اعلام کرد که آمریکایی‌های افریقایی‌تبار نسبت به افراد سفیدپوست به‌عنوان نژاد پست شناسایی شده‌اند و سزاوار احترام سفیدپوستان نیستند (Johnson, 2011, p.65-68). لذا در ادامه حکم، قاضی تانی عبارت شخصیت حقوقی را مورد استفاده قرار داد و بیان کرد: «یک برده شخصیت حقوقی ندارد».<sup>۴</sup> پس از اشاره به این رویه موجود، نمایندگان کشورهای آمریکای لاتین نظریه فرانسه را کاملاً پذیرا شدند. مشکل بعدی با مردم آنگلوساکسون بود، و در نهایت نماینده انگلستان اظهار داشت که این اصطلاح در حقوق انگلیس بی‌معنی است؛ بااین‌حال، او نمی‌تواند عبارتی بهتر از این بیابد، پس آن را می‌پذیرد (Roosevelt, 1995, p.563)، لذا پیش‌نویس ماده ۶ در ابتدا عبارت «شخصیت حقوقی» (Legal Personality) را دربر داشت. کاسین در سخنان خود در کمیته پیش‌نویس، توجیه صریحی برای این ماده ارائه کرد. وی بیان داشت: اگر در تاریخ اخیر نمونه‌هایی از اشکال بردگی که بر اساس آن شخصیت حقوقی برخی

1. Personne ne doit être privé de sa personnalité juridique.

2. No one shall be deprived of their juridical personality.

3. Dred Scott v. Sanford, Judgment in the U.S. Supreme Court, decision in 1857.

4. a slave has no juridical personality.

افراد انکار شده است، دیده نمی‌شد، تدوین چنین اعلامیه‌ای ممکن بود غیر ضروری به نظر برسد. از این رو، باید حقوق ابتدایی ویژه‌ای که برای رفاه و کرامت افراد ضروری است، تضمین گردد (Rita, 2009, p.66). وی در شرح شخصیت حقوقی بیان داشت: شخصیت حقوقی شایستگی و صلاحیتی است که شخص «به‌عنوان حامل حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها»<sup>۱</sup> دارا است (Morsink, 2011, p.44). در این خصوص خانم روزولت بر این باور بود که شخصیت حقوقی به معنی حداقلی برای مردم عادی است<sup>۲</sup> و ولادیمیر کورسکی (Vladimir Koretsky)، نماینده اتحاد جماهیر شوروی سابق، نیز در این باره عقیده داشت که تعبیر شخصیت حقوقی که در این پیش‌نویس مطرح شده، یک مفهوم پیچیده حقوقی است. آقای کاسین نیز در شرح ماده یادشده توضیح داد که این ماده «یک امر حتمی و اجتناب‌ناپذیر برای وجود افراد است، زیرا کسی نیست که دارای شخصیت حقوقی نباشد». همچنین او افزود که این ماده «در برابر اشکال نوین برده‌داری»<sup>۳</sup> وضع شده است. در ادامه، وی اشاره کرد که بعضی از سران کشورها، مانند هیتلر، طی سال‌های گذشته به دنبال احیای تفکر کهنی بودند که طبق آن برخی افراد «برده» محسوب می‌شدند، حق ازدواج نداشتند و نمی‌توانستند طرف معاملات مالی قرار گیرند یا برای خودشان دارایی کسب کنند (Morsink, 2011, p.44).

در مذاکرات بعدی کمیسیون، نمایندگان اعزامی دو کشور انگلستان و چین پیشنهاد حذف ماده ۶ اعلامیه را مطرح کردند، در حالی که هیئت‌های نمایندگی فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی سابق و اروگوئه سرسختانه از ابقای این ماده دفاع کردند، و مشکل این بود که این معنی چگونه باید بیان شود تا برای کشورهای انگلیسی‌زبان واضح‌تر باشد (Morsink, 2011, p.44). در این خصوص نماینده کانادا بیان کرد: «نکته حائز اهمیت این است که به‌خاطر داشته باشیم، ممکن است برخی از اشخاص توسط عمل خودسرانه حکومت، شخصیت حقوقی‌شان انکار شود» (Reinbold, 2007, p.177). خانم روزولت نیز موکداً بیان داشت که این یک بی‌عدالتی بنیادین است که شخصیت حقوقی هریک از اعضای یک گروه انسانی انکار شود. او برای عدم پذیرش شخصیت حقوقی افراد، دو مثال را بیان کرد؛ یکی بردگان دوره نژادپرستانه آمریکا و دیگری قربانیان خشونت‌های نازی در جنگ جهانی دوم که شخصیت حقوقی‌شان انکار شده بود، و تأکید نمود که چنین شرایطی دوباره نباید اتفاق بیفتد (Rita, 2009, p.67). در نهایت پروفیسور کاسین تعبیری بهتر برای عبارت‌بندی این ماده پیشنهاد داد؛ او این طور فکر می‌کرد که برای وضوح بیشتر در جمله‌بندی این ماده، باید کلمات تغییر داده شوند (Roosevelt, 1995, p.563). وی در این باره بیان داشت: شاید عبارت «شخص نزد قانون» هم

1. To be a bearer of rights, obligations and responsibilities.

2. Meant little to laymen.

3. «Against modern forms of slavery».

بتواند مفهوم این حق بنیادین را پوشش دهد. کاسین اضافه کرد که کمیته وظیفه دارد به همه دنیا اعلام کند که انسانی که دارای حقوق و وظایف نباشد، وجود ندارد. بدین سان هنگامی که خانم روزولت به عنوان ریاست جلسه پیش‌نویس، ماده ۶ را در کمیته پیش‌نویس به رأی گذاشت، این ماده با ۱۲ رأی موافق و ۴ رأی ممتنع به صورتی که مورد حمایت کشور فرانسه بود، ابقا شد: «هر کس حق دارد در هر جا به عنوان یک شخص نزد قانون شناسایی شود»<sup>۱</sup> (Morsink, 2011, p.45). در نتیجه با توجه به مباحث و دیدگاه‌های مطرح شده در کمیسیون حقوق بشر برای تدوین پیش‌نویس ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «حق فرد بر شناسایی در مقابل قانون» ترجمانی است از اصطلاح «حق فرد بر شخصیت حقوقی» که برای همه سیستم‌های حقوقی قابل فهم‌تر است؛ لذا پس از تصویب این ماده، هم‌اکنون نیز شاهد آن هستیم که در متون حقوقی این دو عبارت مترادف و هم‌پایه هم به کار می‌روند.

در نهایت همان‌گونه که ملاحظه شد، تدوین ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر در کمیته‌ای که کمیسیون حقوق بشر برای تدوین پیش‌نویس اعلامیه تشکیل داده بود، بسیار بحث‌برانگیز شد. لکن سرانجام کمیته پیش‌نویس توانست «حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی» را در قالب ماده ۶ و با عبارات «هر کس حق دارد به عنوان یک شخص در مقابل قانون شناسایی شود»، تدوین کند و سپس در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب برساند.

### ۱.۲. ارزش حقوقی اعلامیه جهانی حقوق بشر

هر چند اعلامیه سند الزام‌آوری نیست، ولی تعریفی که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل از اصطلاح «اعلامیه» ارائه داده است، میزان اهمیت چنین اسنادی را بیان می‌کند. کمیسیون در اجلاس هجدهم<sup>۲</sup> خود از اعلامیه تعریفی به این شرح ارائه داده است: در عملکرد سازمان ملل، اعلامیه یک سند رسمی، جدی و مناسب برای موقعیت‌های غیرمعمول و نادری است که اصول مهم و ثابتی در آن اعلام شده باشد. همچنین کمیسیون به این نکته تصریح دارد که مفاد اعلامیه ممکن است از سوی عرف به گونه‌ای شناسایی شود که قواعد الزام‌آوری را بر دولت‌ها وضع نماید (Douglas, 2003, p.88). در این راستا، اعلامیه جهانی حقوق بشر که قدرت خود را از جایگاه قانونی منشور ملل متحد أخذ نموده (Rita, 2009, p.31)، به حدی از شناسایی و پذیرش بین‌المللی رسیده است که بیشتر قواعد مندرج در آن، قواعد الزام‌آور عرفی بین‌المللی می‌باشند. در سال ۱۹۸۰م در قضیه گروگان‌گیری، دیوان بین‌المللی دادگستری تلویحاً تأیید

1. «Everyone has the right to recognition everywhere as a person before the law».

2. Report of the Commission on Human Rights on its eighteen session, (Official Records of the Economic and Social Council, Thirty-Forth Session, Supplement No.8 (E/3616/Rev. 1)), para. 105.

کرد که اصول اساسی مطرح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر در حقوق بین‌الملل برای دولت‌ها لازم‌الاتباع است (United States of America v. Iran, 1980, p.42, para. 91). به این لحاظ دیوان با طبقه‌بندی مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر تحت «اصول اساسی» حقوق بین‌الملل، قلمرو حقوقی و وضعیت اعلامیه جهانی را توسعه و تکامل بخشید و این سند را وارد حوزه حقوق بین‌الملل عرفی کرد. بر این اساس، اعلامیه یادشده که در زمان پذیرش صرفاً به‌عنوان امری مطلوب و یک آرمان تصور می‌شد، اکنون به بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی مبدل شده است (الهویی نظری، ۱۳۸۹، ص ۳۹۷). همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای دولت‌ها از نظر حقوق بین‌الملل عرفی و همچنین با عنوان اصول اساسی انسانیت الزام‌آور می‌داند (Yogi, 2006, p.83). بر این اساس، برابر مطالب پیش‌گفته، در این بین «حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی» نیز از ارزش عرفی بین‌المللی بی‌بهره نخواهد بود.

### ۱.۳. شرح ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

گروهی از مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر که در اولین ستون (Column) اعلامیه مطرح شده‌اند، حاوی بهترین و شناخته‌شده‌ترین حقوق بشری می‌باشند. این حقوق عبارت‌اند از: حق حیات، حق آزادی و امنیت شخصی؛ ممنوعیت بردگی و شکنجه؛ حق بر شناسایی حقوقی<sup>۲</sup>، حق برابری نزد قانون، و جبران‌های مؤثر برای نقض حقوق اساسی؛ حق آزادی از بازداشت و حبس خودسرانه؛ تضمین رسیدگی‌های جزایی عادلانه، اصل برائت، و اصل عطف بماسبق نشدن در قوانین جزایی (Glendon, 2004, p.5). این گروه از مقررات با اعمال قدرت قواعد حقوقی، از افراد در مقابل تجاوز حفاظت کرده، رسیدگی منصفانه را تضمین می‌نماید. این هنجارها سابقه فراوانی در قوانین اساسی موجود دارند و در مراحل تهیه پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر، زمانی که مجمع عمومی رأی‌گیری را یک به یک انجام داد و پیش از اینکه رأی‌گیری از آن‌ها به‌عنوان یک کل در اعلامیه صورت بگیرد<sup>۳</sup>، بیشتر این مواد بحث و مناقشات اندکی را ایجاد کردند و بدون رأی ممتنع به اتفاق آرا به تصویب رسیدند. حقوق مورد نظر محکم‌ترین بخش اعلامیه جهانی حقوق بشر است (Glendon, 2004, p.6). ذکر ماده ۶ در میان حقوق یادشده نمایانگر جایگاه و اعتبار ویژه این ماده در میان اغلب قواعد حقوق بشری بیان‌شده در اعلامیه

1. United Nations General Assembly Resolution A/RES/3/217, 10 December 1948.

2. The Rights to Legal Recognition. Everyone has the right to recognition everywhere as a person before the law.

۳. در رأی نهایی هشت کشور (شش کشور بلوک شوروی، افریقای جنوبی و عربستان سعودی) رأی ممتنع دادند.

است. این ماده که اشعار می‌دارد: «هر کس حق دارد تا همه جا در برابر قانون به‌عنوان یک شخص شناسایی شود»، یکی از عمده‌ترین و اصلی‌ترین حقوق انسانی است که حق شخصیت حقوقی (Legal Personality) را به تمام افراد بشر اعطا می‌نماید (Morsink, 2011, p.43) و شخصیت حقوقی تک‌تک افراد بشر را شناسایی کرده، به آن رسمیت می‌بخشد. در تشریح این ماده گفته شده است که یک شخص نزد قانون کسی است که به‌عنوان یک موضوع (Subject) به رسمیت شناخته شده باشد تا از سوی نظام حقوقی حمایت شود. لذا یک شخص حقوق و مسئولیت‌هایی دارد که به‌واسطه آن شناسایی لازم شده است (Benedek, 2006, p.188). بر این اساس، شناسایی شخصیت حقوقی یک پیش‌شرط ضروری برای تمتع کامل و اجرای واقعی سایر حقوق فردی محسوب می‌شود (Power, 2013, p.37; Wolf, 2007, p.37).

## ۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

در پی تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، «کمیسیون حقوق بشر» پیش‌نویس معاهده‌ای جهانی را بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین نمود. این پیش‌نویس از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب رسید و از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ به‌اجرا درآمد. این کنوانسیون که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱</sup> نام گرفت، مهم‌ترین و جامع‌ترین معاهده بین‌المللی حقوق بشری در زمینه نسل اول قواعد حقوق بشر است. بر این اساس، به لحاظ اهمیت این ماده و جایگاه ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در میان معاهدات حقوق بین‌الملل، در ذیل مباحث مقدماتی<sup>۲</sup> مطرح‌شده در کمیته پیش‌نویس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را در خصوص ماده مورد نظر و سپس شرحی از ماده ۱۶ این میثاق تقریر می‌نماییم.

### ۲.۱. مباحث مقدماتی تدوین ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

در جلسات کمیسیون حقوق بشر برای تدوین پیش‌نویس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی راجع به ماده ۱۶ میثاق بحث چالش‌برانگیزی صورت نگرفت. از آنجا که ماده یادشده بر پایه ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر تنظیم گردید، مذاکرات مقدماتی کمیته تهیه پیش‌نویس به‌طور عمده بر سر مسائل شکلی ماده انجام گرفت تا مسائل ماهوی پیچیده. پیش‌نویس اولیه

1. International Covenant on Civil and Political Rights, Adopted by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966, Entry into force 23 March 1976, (ICCPR).

۲. بنابر ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹م، کارهای مقدماتی تصویب معاهده از جمله وسایل تکمیلی تفسیر آن معاهده خواهد بود.



ماده ۱۶ میثاق مقرر می‌داشت: «هیچ شخصی نباید از اعمال حقوق مدنی محدود شود یا از شخصیت حقوقی‌اش محروم گردد. به جز در مورد: الف) افراد صغیر؛ ب) افرادی که ذهن معیوب دارند؛ و ج) اشخاصی که به جرمی محکوم شده‌اند که چنین مجازاتی توسط قانون برای آن‌ها مقرر شده است»<sup>۱</sup> (Bossuyt, 1987, p.335). متن ابتدایی پس از بررسی در جلسه بعدی به این صورت اصلاح شد:

۱- هیچ شخصی نباید از شخصیت حقوقی‌اش محروم شود.

۲- هیچ شخصی نباید در اعمال حقوق مدنی‌اش محدود شود به جز در مورد: الف) افراد صغیر؛ ب) افرادی که ذهن معیوب دارند؛ و ج) اشخاصی که به جرمی محکوم شده‌اند که چنین مجازاتی توسط قانون برای آن‌ها مقرر شده است»<sup>۲</sup>.

در نشست‌های کمیسیون بر سر این مسئله که ماده ۱۶ به دنبال تضمین این است که هر شخص باید یک موضوع (Subject) باشد و نه یک شیء (Object) قانونی، توافق کلی وجود داشت، اما جدیتی برای رسیدگی به مسئله ظرفیت شخص برای عمل کردن وجود نداشت؛ به طوری که برخی از بحث‌ها و گفتگوها حاکی از تمایز بین شخصیت حقوقی و داشتن ظرفیت قانونی برای اعمال آن بود (van der Wolf, 2007, p.25-26). بر این اساس، از آنجا که طی مذاکرات صورت گرفته، در خصوص مقررات مربوط به محدودیت‌های یادشده در بند دوم بین اعضا توافق حاصل نشد، سرانجام انگلستان پیشنهاد داد این پاراگراف که به‌عنوان یک راه‌حل عملی تحریر شده بود، حذف گردد. به این ترتیب، حذف پاراگراف دوم متن اخیر با ۱۲ رأی به تصویب رسید و پیش‌نویس ماده ۱۶ بنابر آنچه که توافق کلی در خصوص آن وجود داشت، (Background conference document prepared by the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2005, p. 8) به این صورت تغییر یافت: «هیچ شخصی نباید از شخصیت حقوقی‌اش محروم گردد» (Bossuyt, 1987, p.336). در پی نشست بعدی، کمیسیون اذعان کرد که متن پیش‌نویس ماده به‌اندازه کافی روشن و دقیق نیست، مخصوصاً از آنجا که تعبیر «محرومیت از شخصیت حقوقی» معنای تعریف‌شده و مشخصی در برخی از نظام‌های حقوقی ندارد، لذا در نهایت اعضای کمیته پیش‌نویس نسبت به پذیرش فرمولی بر اساس ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصمیم‌گیری کردند (van der Wolf,

1. «No person shall be restricted in the personal exercise of his civil rights or deprived of judicial personality, save in case of: a) minors b) persons of unsound mind; and c) persons convicted of crime for which this penalty is provided by law».

2. 1- No person shall be deprived of his juridical personality,

2- No person shall be restricted in the exercise of his civil rights save in case of: a) minors b) persons of unsound mind; and c) persons convicted of crime for which this penalty is provided by law.

(p.26, 2007) و پس از اندکی اصلاحات، پیش‌نویس ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به این شرح تدوین شد: «هرکس حق دارد به اینکه در هر جا به‌عنوان یک شخص نزد قانون شناخته شود»<sup>۱</sup> که این متن با ۷۴ رأی موافق و یک رأی ممتنع به‌تصویب رسید (Bossuyt, 1987, p.337). در ادامه روند مذاکره، انگلیس برای حذف کلمه «در هر جا» پیشنهادی داشت، با این استدلال که حوزه اعمال قلمرو سرزمینی در حال حاضر در بند ۱ ماده ۲ پیش‌نویس این میثاق تعریف شده است، ولی این طرح با شکست مواجه شد، زیرا این اصطلاح پیش از این در ماده ۶ اعلامیه جهانی گنجانده شده بود (van der Wolf, 2007, p.22). به این ترتیب، متن پیش‌نویس این ماده<sup>۲</sup> که بر پایه ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین گردید، برای همه موجودات بشری و نه اشخاص حقوقی مصطلح اعمال می‌شود (Bossuyt, 1987, p.336). گنجاندن این اصطلاح در ماده پیش‌گفته به این معناست که دولت‌های عضو این معاهده نمی‌توانند حق بر شخصیت حقوقی اشخاص را حتی برای اشخاصی که در حوزه صلاحیت قضایی آن‌ها نیستند، انکار نمایند. درواقع تصریح به عبارت «هر جا» (Everywhere) به این دلیل است که بر این نکته تأکید شود که این حق اساسی باید از سوی تمامی دولت‌هایی که عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هستند، خارج از بحث تابعیت در خصوص همه افراد، به‌طور کامل و مؤثر اجرا و نظارت گردد (van der Wolf, 2007, p.22).

## ۲.۲. شرح ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

تصویب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را می‌توان اولین ورود معاهده حقوق بشر به حوزه حقوق بین‌الملل دانست. حقوق مندرج در این میثاق برای ملزم ساختن دولت‌ها به رعایت حداقل حقوق انسانی، فارغ از تابعیت یا عدم تابعیت آن‌ها شکل گرفته است. در میان حقوق وضع‌شده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «حق فرد بر شناسایی در مقابل قانون» در ماده ۱۶ این کنوانسیون بیان شده است. بدین‌سان دومین انعکاس این حق و به‌عبارتی، اولین انعکاس معاهده‌ای این حق در ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد. ماده یادشده این حق را اجرا کرده، تنفیذ حقوق و آزادی‌هایی را که در میثاق و سایر اسناد حقوق بین‌الملل بشر بیان شده‌اند، تسهیل می‌نماید؛ به‌گونه‌ای که حقوق بشر را نسبت به همه اشخاص در همه جا گسترش می‌دهد (Smith, 2007, p.236). از این‌رو «حق شناسایی فرد به‌عنوان یک شخص در مقابل قانون» یک حق مهم و پایه‌ای است که برخورداری اشخاص از سایر حقوق بشری‌شان را تضمین می‌کند. نواک (Nowak) در تفسیر خود در خصوص ماده ۱۶

1. «Everyone shall have the right to recognition everywhere as a person before the law».

۲. «هرکس حق دارد به اینکه در همه جا به‌عنوان یک شخص نزد قانون شناخته شود».

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌نویسد: این حق یک بخش تشکیل‌دهنده این میثاق است و در نتیجه باید در تفسیر نظام‌مند از سایر مقررات مورد توجه قرار گیرد (van der Wolf, 2007, p.23). بدون این حق، فرد تا حد یک شیء حقوقی صرف تنزل پیدا می‌کند. به اعتقاد وی، جایی که مردان و زنان در معنای حقوقی، یک شخص نباشند، از حقوق دیگر خود از جمله حق حیات محروم می‌شوند (van der Wolf, 2007, p.22).

## جایگاه حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در اسناد بین‌المللی

### منطقه‌ای

پس از شناسایی حق فرد به برخورداری از شخصیت حقوقی در اسناد جهانی معتبری چون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، گستره پذیرش این حق در سایر اسناد بین‌المللی توسعه پیدا کرد؛ به گونه‌ای که عبارت‌بندی‌های مشابه این حق در اسناد منطقه‌ای برجسته‌ای همچون کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور افریقایی حقوق بشر و مردم بیان شده است. این حق بر پایه نظر کمیته‌ای از کارشناسان شورای اروپا در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین<sup>۱</sup> که نخستین و باسابقه‌ترین کنوانسیون منطقه‌ای حقوق بشر است، گنجانده نشده است، زیرا به عقیده آن‌ها تکرار این حق در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر غیرضروری است و می‌توان آن را از مواد دیگر موجود در کنوانسیون استنباط نمود (van der Wolf, 2007, p.21). در تأیید این عقیده، لازم است توضیح داده شود که رویه دیوان اروپایی حقوق بشر<sup>۲</sup> که مأموریت اصلی آن حفاظت از آزادی‌های مدنی و سیاسی مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین است، نیز این ادعا را تأیید می‌کند؛ چراکه در قضایای متعددی دیوان اروپایی به «حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی» استناد کرده است که برای نمونه به یکی از این موارد اشاره می‌کنیم. در پرونده «کورت علیه ترکیه»، دیوان در بخش واقعیات پرونده به قواعد مرتبط بین‌المللی اشاره، و در توضیحاتی که ارائه می‌نماید، اذعان می‌کند که عمل نظام‌مند ناپدید شدن اجباری، ماهیت جنایت علیه بشریت داشته، نقض حق شناسایی به‌عنوان یک شخص در برابر قانون است (Case of Kurt v. Turkey, 1998, para. 64). لذا همان‌طور که ملاحظه شد، با وجود ذکر نشدن حق مورد بحث در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دیوان اروپایی با این حق بیگانه نیست و به آن استناد می‌جوید. بر این اساس در ادامه،

1. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Council of Europe, Entered into force on 3 September 1953 (ECHR).  
2. European Court of Human Rights (ECtHR).

«حق بر شخصیت حقوقی» و جایگاه آن در معاهدات منطقه‌ای حقوق بشری که به این حق پرداخته‌اند، بررسی می‌شود.

### ۱. کنوانسیون امریکایی حقوق بشر

کنوانسیون امریکایی حقوق بشر<sup>۱</sup> از سوی سازمان کشورهای امریکایی<sup>۲</sup> در تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ در کنفرانسی تخصصی بین کشورهای امریکایی راجع به حقوق بشر که در سان خوزه کاستاریکا برگزار شد، پذیرفته شد و در ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸ برای دولت‌های عضو الزام‌آور گردید. «کنوانسیون امریکایی حقوق بشر» معاهده‌ای منطقه‌ای است که از حقوق و آزادی‌های بشری در منطقه امریکای لاتین حمایت و آن را تضمین کرده است. حق بر شخصیت حقوقی از جمله اساسی‌ترین و قابل ملاحظه‌ترین حقوقی است که در کنوانسیون موصوف از آن یاد شده است. این حق که در ماده ۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر آمده است، تصریح می‌کند: «هر کس حق دارد که در برابر قانون به عنوان یک شخص شناخته شود».<sup>۳</sup> جایگاه این ماده در کنوانسیون پیش گفته، خود بر اهمیت این ماده دلالت دارد. ماده حاضر در صدر مواد فصل دوم کنوانسیون که حقوق مدنی و سیاسی را در خود جای داده، مقرر شده و به لحاظ ویژگی خاصی که دارد پیش از حق حیات از آن یاد شده است. در این خصوص، کمیسیون حقوق بشر کشورهای امریکایی مقرر می‌دارد که حق بر شخصیت حقوقی یک ضرورت اساسی برای بهره‌مندی از تمامی آزادی‌های اساسی است، چراکه این حق به افراد «شناسایی شدن در مقابل قانون» را اعطا می‌کند (Tinta, 2008, p.219). در قضیه «باماکا» دیوان حقوق بشر کشورهای امریکایی در خصوص این حق تأکید کرد که هر شخص حق دارد تا هر جا به‌عنوان یک شخص دارای حقوق و تعهدات شناسایی شود و از حقوق مدنی اساسی خویش بهره‌مند گردد. بر این اساس، حق شناسایی شخصیت حقوقی دلالت بر ظرفیتی دارد که فرد بتواند حقوق و نیز تعهداتی داشته باشد؛ بنابراین، نقض این شناسایی حقوقی نسبت به امکان اینکه شخص چنین حقوق و تعهداتی را دارا باشد، انکار مطلق است (Bámaca Velásquez Case, 2000, para. 179).

1. American Convention on Human Rights, Signed at the Inter-American Specialized Conference on Human Rights, San Josi, Costa Rica, 22 November 1969 (ACHR).

2. *Organization of American States (OAS)*.

3. Article 3: Right to Juridical Personality: "Every person has the right to recognition as a person before the law."

## ۲. منشور افریقایی حقوق بشر و مردم

منشور افریقایی حقوق بشر و مردم<sup>۱</sup>، معروف به منشور بانجول (Banjul Charter)، معاهده‌ای بین‌المللی است که به منظور ارتقا و حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مردم در قاره افریقا تدوین شده و تحت نظر سازمان وحدت افریقا (Organisation of African Unity (OAU))<sup>۲</sup> شکل گرفته است. در سال ۱۹۷۹م در اجلاس سران دولت و حکومت (The Assembly of Heads of State and Government)، قطعنامه‌ای تصویب شد که ایجاد کمیته‌ای از کارشناسان برای تهیه پیش‌نویس سندی حقوق بشری مشابه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون امریکایی حقوق بشر را در گستره قاره افریقا خواستار شد (Brendalyn, 1995, p.80). در پی آن، متن پیش‌نویس این منشور در هجدهمین اجلاس سران دولت و حکومت سازمان وحدت افریقا در سال ۱۹۸۱م در بانجول گامیبا تصویب و در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ اجرایی گردید. این معاهده حقوق بشری افریقایی علاوه بر اینکه حقوق مردم را به رسمیت شناخته، بر تکالیف افراد نسبت به جامعه و دولت نیز تأکید داشته است (Brendalyn, 1995, p.81). تدوین‌کنندگان منشور افریقایی حقوق بشر و مردم در تنظیم مفاد این معاهده، قواعد اسناد بین‌المللی پیش از آن، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین معاهدات حقوق بشری منطقه‌ای همچون کنوانسیون‌های اروپایی و امریکایی حقوق بشر را مد نظر داشتند.

بر این اساس، «حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی» نیز در این معاهده مهم منطقه‌ای به‌عنوان یکی از حقوق ابتدایی و عمده تکرار گردیده است. حق یادشده که در ماده ۵ منشور بانجول درج شده، از نظر قالب با آنچه نخست در ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده و در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین کنوانسیون امریکایی حقوق بشر منعکس گردیده، کمی متفاوت است. ماده ۵ منشور افریقایی حقوق بشر و مردم این چنین تقریر یافته است: «هر فرد حق دارد که کرامت ذاتی‌اش به‌عنوان یک انسان محترم شمرده شود و وضعیت حقوقی او شناسایی گردد. تمامی صور استثمار و تحقیر انسان، خصوصاً بردگی، تجارت برده، شکنجه، رفتار و مجازات ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی باید ممنوع باشد»<sup>۳</sup>.

1. African Charter on Human and Peoples' Rights, Adopted by the Organization of African Unity in Nairobi 27 June 1981, Entered into Force 21 October 1986 (ACHPR).

۲. در حال حاضر اتحادیه افریقایی (AU) African Union.

3. Article 5: «Every individual shall have the right to the respect of the dignity inherent in a human being and to the recognition of his legal status. All forms of exploitation and degradation of man particularly slavery, slave trade, torture, cruel, inhuman or degrading punishment and treatment shall be prohibited».

## ۲. ۱. شرح ماده ۵ منشور افریقایی حقوق بشر و مردم

شایان ذکر است که عبارت آغازین ماده ۵ که حق هر فرد را بر احترام به کرامت ذاتی بشری تضمین می‌نماید، بر تفکری اساسی دلالت دارد که مفهوم حقوق بشر بر آن بنا شده است. اهمیت این حق به گونه‌ای است که اسناد سه‌گانه‌ای که منشور حقوق بشر<sup>۱</sup> را تشکیل می‌دهند، در ابتدای دیباچه‌های خود آورده است. به علاوه تکرار این حق - که امروزه بدیهی به نظر می‌رسد - در قسمت اصلی منشور افریقایی حقوق بشر و مردم قابل توجه است؛ چراکه این تصریح در قاره‌ای که استعمار و برده‌داری را تجربه کرده است، نامفهوم و بی‌اهمیت نخواهد بود. همین‌طور این بخش از ماده که بر حق افراد به کرامت انسانی تأکید دارد، مستقیماً با حق افراد بر شناسایی وضعیت حقوقی‌شان و با ممنوعیت همه اشکال استثمار و تحقیر انسان که در ادامه ماده بیان شده، مرتبط است. لذا از این توالی نتیجه می‌شود که حق افراد بر شناسایی وضعیت حقوقی ممکن است به‌عنوان اولین نمود کرامت انسانی محسوب گردد. در خصوص اصطلاح «وضعیت حقوقی» باید اشاره کنیم که در متن فرانسوی ماده ۵ منشور افریقایی به‌جای تعبیر «وضعیت حقوقی»، عبارت «شخصیت حقوقی»<sup>۲</sup> به‌کار رفته است (Ouguergouz, 2003, p.110). در واقع مقصود تدوین‌کنندگان از عبارت «وضعیت حقوقی» همان مفاهیمی است که از عبارت «شخصیت حقوقی» منتج می‌شود و به این معناست که انسان دارای کرامت باید از نظر قانونی به‌عنوان موضوعی دارای حقوق و تعهدات شناسایی شود و در نهایت یک موجودیت مؤثر اجتماعی را به‌دست آورد. دومین بخش از ماده ۵ به‌طور کلی تمام اشکال استثمار و تحقیر فرد را ممنوع می‌کند. ترکیب عبارات این بخش از ماده به‌طوری است که غیرانحصاری بودن موارد بیان‌شده را افاده می‌نماید. بر این اساس، نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است، هر عملی که عنوان استثمار و تحقیر فرد بر آن صادق باشد، می‌تواند مصداقی بر نقض ماده ۵ منشور افریقایی حقوق بشر و مردم یا به‌عبارتی نقض حق کرامت و همچنین حق بر شخصیت حقوقی افراد که در ماده مورد نظر شناسایی شده‌اند، باشد. در پایان خاطرنشان می‌سازد که بیشتر قضیه‌هایی که در خصوص ماده ۵ نزد کمیسیون<sup>۳</sup> و دیوان<sup>۴</sup> افریقایی حقوق بشر و مردم بررسی

1. International Bill of Human Rights: the Universal Declaration of Human Rights (1948), the International Covenant on Civil and Political Rights (1966) and the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966).

۲. «هنگامی که اعتبار معاهده‌ای به دو یا چند زبان تصدیق شده باشد، متن آن در هریک از زبان‌ها به نحو یکسان معتبر خواهد بود» (بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات).

3. Gabriel Shumba v. Republic of Zimbabwe, African Commission on Human and Peoples' Rights, Communication 288/2004, on 02 May 2012. & Egyptian Initiative for Personal Rights and Interights v. Arab Republic of Egypt, 323/06, African Commission on Human and Peoples' Rights, 16 December 2011.

4. Musa Saïdykhan v. Republic of The Gambia, African Court on Human and Peoples' Rights, ECW/CCJ/JUD/08/10, 16 December 2010, (Article 5-prohibition against torture).

شده‌اند، مواردی هستند که در آن نقض کرامت انسانی و یا حتی شکنجه ارتکاب یافته است. به عبارتی در این نظام قضایی به‌طور کلی «حق بر شخصیت حقوقی» ذیل مفهوم «حق بر کرامت انسانی» معنا می‌شود. البته شاید این برداشت به این دلیل باشد که هنوز مفهوم حق بر شخصیت حقوقی در این نظام حقوقی رشد و توسعه نیافته است.

## ۲.۲. ماده ۳ پروتکل منشور افریقایی حقوق بشر و مردم

پروتکل ضمیمه منشور افریقایی حقوق بشر و مردم که از سوی اتحادیه افریقایی در خصوص حقوق زنان تدوین شده است، حاوی موادی برای تضمین حقوق زنان در قاره افریقا است. این پروتکل که «ماپوتو» (Maputo Protocol) نیز نام‌گذاری شده است، در سال ۲۰۰۳م از سوی اجلاس سران دولت‌ها و حکومت‌های اتحادیه افریقایی به تصویب رسید و در سال ۲۰۰۵م به اجرا درآمد (Crawshaw, 2008, p.229). ماده ۳ این پروتکل با عنوان حق کرامت است و شامل سه بند می‌باشد که در بند دوم آن حق زنان بر شخصیت حقوقی به این شرح ارائه شده است: «هر زنی حق دارد که به‌عنوان یک شخص مورد احترام قرار گیرد و بتواند آزادانه شخصیت خود را توسعه دهد»<sup>۱</sup>.

## جایگاه حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در قوانین ملی

حق افراد به شناسایی حقوقی در حقوق داخلی کشورهای متعددی همچنان ناشناخته باقی مانده است، به‌طوری که حتی در بسیاری موارد «حق شناسایی شخصیت حقوقی» از طریق موانعی چون سن خاص، درجه‌ای از ثروت یا وضعیت اجتماعی، ملیت خاص یا جنسیت، از جانب حقوق داخلی محدود می‌شود (Ghanea, 2007, p.264)؛ درعین حال، این حق در قوانین داخلی برخی از کشورها مدون شده است. در ادامه برای تبیین مسئله به بررسی این موضوع در قوانین برخی از نظام‌های حقوقی می‌پردازیم:

### ۱. فرانسه

قانون مدنی فرانسه «شخصیت حقوقی» (personnalité juridique) را به‌عنوان «توانایی داشتن حقوق و تعهدات» (l'aptitude à être titulaire de droits et d'obligations) تعریف کرده است. قانون‌گذار فرانسوی این موضوع را مد نظر قرار داده است که شخصیت حقوقی بر رسمیت یافتن

1. Every woman shall have the right to respect as a person and to the free development of her personality.

از سوی دولت‌ها وابسته نبوده، به عبارتی منسوب به دولت‌ها نیست، بلکه شخصیت حقوقی وضعیتی است که در لحظه تولد برای فرد ایجاد شده، با مرگ وی پایان می‌یابد (Office of United Nations High Commissioner for Human Rights, 2005, p.15) به این ترتیب، در حقوق فرانسه، شخصیت حقوقی در خصوص هر انسانی فارغ از شناسایی دولت، در نظر گرفته شده است. همچنین در این نظام حقوقی، «شخصیت حقوقی» به منزله یک پیش شرط برای دستیابی به «ظرفیت قانونی» (capacité juridique) معنا شده است (van der Wolf, 2007, p.33).

## ۲. اسپانیا

در قانون مدنی اسپانیا مفهوم «شخصیت حقوقی» (Capacidad Jurídica) عبارت است از شایستگی یک فرد به داشتن حقوق و وظایف در روابط حقوقی (Torres, 1984, p.196). در این نظام حقوقی، شخصیت کیفیتی است که نشان می‌دهد شخص برای انجام اعمال حقوقی توانایی دارد، بنابراین «ظرفیت» به عنوان یکی از جلوه‌های «شخصیت» در نظر گرفته شده است (Torres, 1984, p.349). در حقوق اسپانیا «ظرفیت عمل» به توانایی فرد برای انجام اقدامات معتبر و قانونی به طور مستقیم و در مجموع، به عمل به گونه‌ای مستقل در زندگی حقوقی اشاره دارد (Yáñez, 1979, p.246). بر این اساس در نظام حقوقی اسپانیا ظرفیت حقوقی یک ویژگی یا کیفیت ضروری برای افراد انسانی، و به عنوان نتیجه فوری و اجتناب‌ناپذیر «شخصیت حقوقی» است (Picazo, 1967, p.83; Brutau, 1979, p.259).

## ۳. کشورهای مبتنی بر نظام حقوقی کامن‌لا

در حوزه‌های قضایی که مبتنی بر نظام حقوقی کامن‌لا<sup>۱</sup> هستند، مفهوم «شخصیت حقوقی» مفهومی انتزاعی است که به توانایی عمومی و یا کلی یک موضوع ویژه برای اینکه هدف تعهدات حقوقی باشد، اشاره دارد. به این ترتیب، در این دستگاه حقوقی همه انسان‌ها به عنوان اشخاص طبیعی دارای «شخصیت حقوقی» هستند. در مقابل، شرکت‌ها و دیگر اشکال اتحادیه‌ها و

1. The common law system .

سیستم کامن‌لا که به نظام رویه قضایی و سابقه قضایی هم معروف است، نوعی نظام حقوقی است که از سال ۱۰۶۶م از سوی دادگاه‌های شاهی انگلستان ایجاد شد. نظام کامن‌لا با تشکیل امپراتوری بریتانیا به بسیاری از کشورهای دیگر دنیا نیز وارد شد و امروزه اساس نظام حقوقی حدود یک سوم مردم دنیا از جمله در کشورهای انگلوساکسون (امریکا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند) و برخی از مستعمرات پیشین بریتانیا، مانند هندوستان، پاکستان، نیجریه، بنگلادش، ایرلند و مالزی را تشکیل می‌دهد.



انجمن‌ها نیز دارای شخصیت حقوقی می‌باشند، به این دلیل که آن‌ها اشخاص حقوقی (juridical persons) هستند. افزون بر این، در نظام حقوقی کامن‌لا «ظرفیت حقوقی» که در نتیجه «شخصیت حقوقی» حاصل می‌شود، عبارت است از توانایی یک شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) به انجام اقدامات قانونی، از جمله دفاع از حقوق و یا مسئولیت در مقابل تعهدات (Office of United Nations High Commissioner for Human Rights, 2005, p.19).

#### ۴. جمهوری اسلامی ایران

در قوانین ایران موردی دیده نشده است که قانون‌گذار برای نشان دادن اهلیت و صلاحیت اشخاص «حقیقی» از اصطلاح «شخصیت حقوقی» استفاده کند، بلکه از واژه «اهلیت»<sup>۱</sup> برای این منظور بهره برده است. در عوض برای اعلام اهلیت و صلاحیت اشخاص «حقوقی»، اصطلاح «شخصیت حقوقی»<sup>۲</sup> به کار رفته است. در واقع قانون‌گذار «شخصیت حقوقی» را برای اشخاص حقوقی و «اهلیت مدنی» را برای اشخاص حقیقی وضع و جعل نموده است. در نتیجه «شخصیت حقوقی» اصطلاحی است که در برابر «شخصیت حقیقی» قرار گرفته است؛ یعنی این دو واژه قسیم یکدیگرند و مقسم آن واژه «شخصیت» است (صفار، ۱۳۹۰، ص ۸۹). در نهایت به نظر می‌رسد تعریفی که در حقوق ایران از «شخصیت حقوقی» ارائه می‌شود با آنچه در عرصه بین‌المللی به عنوان حق بشری افراد بر شناسایی شخصیت حقوقی پذیرفته شده است، متفاوت است. در حقوق ایران در تعریف شخص حقوقی گفته شده است: «شخص حقوقی عبارت است از دسته‌ای از افراد، که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند. یا پاره‌ای از اموال، که به هدف خاصی اختصاص داده شده است و قانون آنها را طرف حق می‌شناسد، و برای آنها شخصیت حقوقی قائل است؛ مانند دولت، شهر، دانشگاه، شرکت‌های تجاری، انجمن‌ها و موقوفات» (صفایی، ۱۳۵۰، ص ۵۲-۵۳). لکن از بررسی نظام حقوقی ایران این نتیجه حاصل می‌شود که مفهوم شخصیت حقوقی مطابق با آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است، در حقوق ایران مطرح شده است. برای نمونه، بخشی از این مفهوم در اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>۳</sup> آمده است. در این اصل حقوق همه افراد ملت در محدوده موازین اسلامی شناسایی شده است و تمامی افراد یکسان تحت حمایت قانون قرار گرفته‌اند. البته اصل بیستم کاملاً بر این مفهوم منطبق نیست. تفاوت عمده این اصل با

۱. مواد ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹ قانون مدنی.

۲. ماده ۵۸۳ قانون تجارت و ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه.

۳. «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت و موازین اسلام برخوردارند».

آنچه در حقوق بشر از آن یاد شده، محدود شدن آن به حدود شرعی و اسلامی است که در مکتب اسلام برای سعادت انسان‌ها این حدود، الزامی و لازم‌الاتباع دانسته شده است. همچنین شناسایی هر فرد به‌عنوان یک شخص نزد قانون مستلزم شناسایی حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها در خصوص اوست. نظر به اینکه در حقوق ایران، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های افراد ملت به‌عبارتی شخصیت حقوقی ایشان در مواد قانونی مختلف به‌رسمیت شناخته شده، می‌توانیم ادعا کنیم که مفاد این حق در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است. ولی این مفهوم با عنوان «حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی» در حقوق ایران مصطلح نیست و مقرره‌ای قانونی با این عنوان وجود ندارد.

### نتیجه

همان‌طور که ملاحظه شد، از جمله مهم‌ترین حقوقی که در برجسته‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشری، چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه‌ای، و همچنین در اسناد ملی متعددی عیناً آمده است، «حق شناسایی به‌عنوان یک شخص در برابر قانون» (The right to recognition as a person before the law) یا «حق شناسایی شخصیت حقوقی» (The right to recognition of the Legal Personality) می‌باشد. حق یادشده مفهوم محوری حقوق بشر است و اغلب به‌عنوان نتیجه‌ای مستقیم از حق کرامت انسانی توصیف می‌شود. این حق «شناسایی افراد انسانی را در برابر قانون» تضمین می‌کند و در واقع پس از حق حیات، حقی برجسته و ممتاز است؛ چراکه اگر افراد انسانی به‌عنوان یک شخص نزد قانون شناسایی نشوند، اجرای سایر حقوق آن‌ها مسدود می‌شود (Smith, 2007, p.236). این حق که در حقوق بین‌الملل در زمره حداقل‌های حقوق بنیادین بشر از آن یاد می‌شود، بسان تنفس ضروری و لازم است (Michael, Galchinsky, 2011, p.3). در واقع پس از عینیت بخشیدن به حق موصوف، هر شخص یک موضوع قانونی خواهد بود و نه یک شیء حقوقی صرف، و از این قرار است که صلاحیت دارد حقوق و تکالیف داشته باشد (A. Jovanović, 2012, p.74). واقعیت این است که جایگاه برجسته این حق در حقوق بین‌الملل بشر انکارناشدنی است. اسناد عمده حقوق بشری، حق فرد به شخصیت حقوقی را به‌عنوان یک حق بشری شناسایی کرده و حیطة شمول آن را نسبت به تمامی عرصه‌های حقوقی بسط و گسترش داده‌اند؛ بدین‌سان که با پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر، شناسایی شخصیت حقوقی افراد به‌عنوان یک حق بشری پذیرفته شده است. پس از آن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در مقام تبدیل مقررات مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت مواد قانونی و لازم‌الاجرا بوده است، بدون هیچ‌گونه تغییری در واژگان، عیناً در ماده ۱۶ میثاق به تکرار ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخت. به‌طور کلی،

بر اساس مذاکرات کمیسیون حقوق بشر که در میان اعضای کمیته‌های پیش‌نویس برای تدوین ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صورت گرفت، حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی یک مفهوم پیچیده حقوقی است که حداقل حقوق را برای افراد بشری تضمین نموده و در برابر اشکال نوین برده‌داری وضع شده است، و به لحاظ اهمیتی که دارد، باید از سوی تمامی دولت‌هایی که عضو این اسناد هستند، خارج از بحث تابعیت در خصوص همه افراد به‌طور کامل و مؤثر، اجرا و نظارت گردد. در این خصوص توجه به این نکته لازم است که با عنایت به صراحت ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق معاهدات وین<sup>۱</sup>، تمامی مذاکرات بیان‌شده در نشست‌های مربوط به پیش‌نویس و تدوین موادی که بر «حق بر شخصیت حقوقی» (The right to Legal Personality) تصریح دارند، از جمله وسایل تکمیلی تفسیر این مواد خواهند بود. حق یادشده پس از ذکر در این اسناد جهانی و به تبع آن‌ها تصریح در کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم نیز مقرر گردید. بر پایه نظر کمیته کارشناسان شورای اروپا، این حق در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۲</sup> که نخستین و باسابقه‌ترین کنوانسیون منطقه‌ای حقوق بشر می‌باشد، گنجانده نشده است، زیرا اعضای این کمیته بر این باورند که این حق را می‌توان از مواد دیگر موجود در کنوانسیون استنباط نمود. همچنین به دنبال توجه به حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی در حوزه حقوق بین‌الملل، حق یادشده در اسناد ملی متعددی مورد توجه قرار گرفته است. لکن با وجود پذیرش جهانی این حق، هنوز در برخی از نظام‌های حقوقی اصطلاح «حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی»، اصطلاحی شناخته‌شده نیست.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

#### کتاب‌ها

۱. صفائی، حسین (۱۳۵۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات مدرسه عالی حسابداری.
۲. الهویی نظری، حمید (۱۳۸۹)، رویکرد انسانی در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، تهران: نشر دادگستر.
۳. صفار، محمدجواد (۱۳۹۰)، شخصیت حقوقی، تهران: انتشارات بهنامی.

1. United Nations Convention on the Law of Treaties Signed at Vienna 23 May 1969.(VCLT).  
 2. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Council of Europe, Entered into force on 3 September 1953 (ECHR).

## قوانین

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ش.
۵. قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ش.
۶. قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ش.
۷. قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷ش.

## ب) خارجی

**Conventions and Instruments:**

8. African Charter on Human and Peoples' Rights(1986), Adopted by the Organization of African Unity in Nairobi 27June 1981, Entered into Force 21October 1986, (ACHPR).
9. American Convention on Human Rights (1969), Signed at the Inter-American Specialized Conference on Human Rights, San Josi, Costa Rica, 22 November 1969 (ACHR).
10. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (1953) Council of Europe, Entered into force on 3 September 1953 (ECHR).
11. International Covenant on Civil and Political Rights (1976), Adopted by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966, Entry into force 23 March 1976, (ICCPR).
12. Report of the Commission on Human Rights on its eighteen session, (Official Records of the Economic and Social Council, Thirty-Forth Session, Supplement No.8 (E/3616/Rev. 1)).
13. The Universal Declaration of Human Rights (1948), drafted by the UN Commission on Human Rights in 1947 and 1948, Adopted and proclaimed by United Nations General Assembly in 1948 (UDHR).
14. United Nations Convention on the Law of Treaties (1969), Signed at Vienna 23 May 1969.(VCLT).
15. United Nations General Assembly Resolution, A/RES/3/217, 10 December 1948.

**Cases**

16. Bámaca Velásquez Case (2000), Inter-Am. C.H.R. , (Ser. C), No. 70, Judgment of 25 November 2000.
17. Dred Scott v. Sanford (1857), decision in the U.S. Supreme Court.
18. Egyptian Initiative for Personal Rights and Interights v. Arab Republic of Egypt(2011), 323/06, African Commission on Human and Peoples' Rights, 16 December 2011.
19. Gabriel Shumba v. Republic of Zimbabwe (2012) African Commission on Human and Peoples' Rights, Communication 288/2004, on 02 May 2012.
20. Kurt v. Turkey (1998), Eur. Ct. H.R. 44, No. 24276/94, Judgment of 25 May 1998.
21. Musa Saidykhan v. Republic of The Gambia (2010), African Court on Human

- and Peoples' Rights, ECW/CCJ/JUD/08/10, 16 December 2010.
22. United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran) (1980), Judgment by International Court of Justice, judgment of 24 May 1980.

**Books and Articles:**

23. Ghanea, Nazila, Alan Stephens, Walden Raphael (2007), Does God Believe in Human Rights?, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers,.
24. A.Jovanović, Miodrag (2012), Collective Rights: A Legal Theory, New York: Cambridge University Press.
25. Baderin, Mashood (2010), International Human Rights Law: Six Decades After the UDHR and Beyond, UK: Ashgate Publishing.
26. Benedek, Wolfgang (2006), Understanding Human Rights, Belgium: Neuer Wissenschaftlicher Verlag.
27. Bossuyt, Marc J. (1987), Guide to the "travaux Préparatoires" of the International Covenant on Civil and Political Rights, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.
28. Brendalyn, Ambrose (1995), Democratization and the Protection of Human Rights in Africa: Problems and Prospects, USA: Greenwood Publishing Group.
29. Brutau, J. Puig (1979), Fundamentos de Derecho Civil, Tomo I, vol. I.
30. Crawshaw, Ralph (2008), Leif Holmström, Essential Texts on Human Rights for the Police: A Compilation of International Instruments, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.
31. Douglas, Hodgson (2003), Individual Duty Within a Human Rights Discourse, England: Ashgate Publishing.
32. Glendon, Mary Ann (2004), «The Rule of Law in the Universal Declaration of Human Rights», Journal of International Human Rights, Spring 2004, vol. 2, Issue 1.
33. Johnson, Scott Patrick (2011), Trials of the Century: An Encyclopedia of Popular Culture and the Law, Vol.1, USA: Greenwood Publishing Group.
34. K.M.Smith, Rhona (2007), Textbook on International Human Rights, 3rd Edition, New York: Oxford University Press.
35. Morsink, Johanne (2011), The Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting, and Intent, USA: University of Pennsylvania Press.
36. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (2005), Legal capacity, Background conference document in August 2005, Sixth Session of the Ad Hoc Committee on a Comprehensive and Integral International Convention on Protection and Promotion of the Rights and Dignity of Persons with Disabilities.
37. Ouguergouz, Fatsah (2003) The African Charter of Human and People's Rights: A Comprehensive Agenda for Human Dignity And Sustainable Democracy In Africa, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.
38. Picazo, Luis Diez (1967) Lecciones de Derecho Civil, Tomo I.
39. Power, Andrew, Janet E. Lord, Allison S. DeFranco (2013) Active Citizenship and Disability: Implementing the Personalisation of Support, Cambridge University Press, New York, .
40. Reinbold, Jenna (2007) Making and Unmaking Political Myth in the Era of

- Human Rights, ProQuest.
41. Rita, Joseph (2009) Human Rights and the Unborn Child, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.
  42. Roosevelt, Eleanor (1995) What I Hope to Leave Behind: The Essential Essays of Eleanor Roosevelt, New York: Carlson Pub. .
  43. Tinta ,Mónica Feria (2008) The Landmark Rulings of the Inter-American Court of Human Rights on the Rights of the Child: Protecting the Most Vulnerable at the Edge, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.
  44. Torres, M. A. Del Arco, M. Pons Gonzalez (1984) «Capacidad jurídica», in Diccionario de Derecho Civil» Tomo Primero (A-G), Editorial Aranzadi.
  45. van der Wolf, Willem-Jan, Haardt , S. de (2007) Global human rights law collection ,Part 3 , Global Law Association.
  46. Yáguiez, Ricardo de Ángel (1979) Introducción al estudio del Derecho.
  47. Yogi, Praveen (2006) Human Rights and Equal Opportunities, India: Gyan Publishing House.